

## نوروز (جشن نو زایی طبیعت)

### ناهد زندی

پیشینه نوروز

از هزاره سوم پیش از میلاد در آسیای غربی دو عید رواج داشت : عید آفرینش که در اوایل پاییز ، و عید باز زایی که در آغاز بهار برگزار می شد .

حتی تا اواسط هزاره نخست پیش از میلاد در آسیای غربی وجود دارد و در واقع ، قدمت هر دو در این منطقه نشان داده می شود . در ایران نیز نوروز عید بهاری و مهرگان عید پاییزی بوده است . (بهار ۱۳۷۷ : ۳۳۹)

با بررسی نوشته های پیشینیان به انگیزهای بسیار درباره برپایی جشن نوروز برمی خوریم که بیشتر جنبه داستانی دارند تا باستانی. برجسته ترین انگیزه راستین این جشن بر آن پایه استوار است، که آغاز سال می باشد و آغاز بهاره سال به دو بخش می شد : تابستان ( hama ) زمستان zayana

تابستان هفت ماه از آغاز بهار و فروردین ماه بوده تا پایان مهرماه و زمستان بزرگ که از یکم دی ماه تا پایان اسفند و پنجه بزرگ یا روزهای کیسه درشمار بوده است.

ایرانیان شمالی که کیش و آیین زرتشتی نیز داشته اند. آغاز سال را با فرارسیدن بهار و قرار گرفتن برج حمل در آفتاب آغاز کرده و آن را جشن می گرفته اند ، ولی ایرانیان جنوبی آغاز سال را با آغاز فصل سرد و زمستان پنج ماهه برگزار کرده و جشن مهرگان را بسیار گرامی می داشتند.

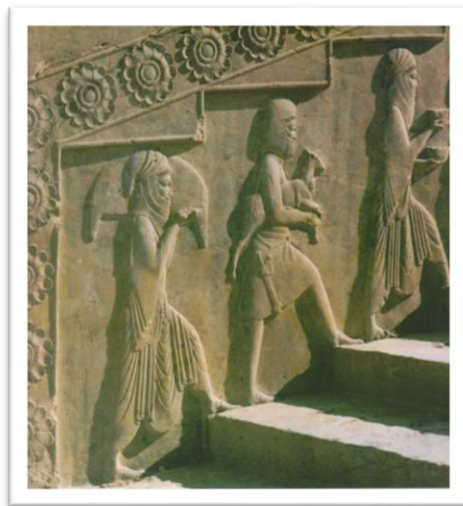
واژه سال در فرس باستان، جدا شده از واژه (سرد) sareda به معنی سرد است، از این سال را با فصل سرد آغاز می کردند. چنانکه بعدها در گویش جنوبی ایران نیز نوروز به (نو سرد ) now-sard نامبردار شد.

در اوستا و ادبیات اوستایی هیچ یادی یانشانی از نوروز نیست، در کتابها و نوشته های پهلوی و ساسانی نیز جز چند بار ، آن هم تنها به آوردن نام دو جشن نوشته ای یافت نمی شود. در حالی که از روزگار ساسانیان به وسیله تاریخ اسلامی ، پچواک هایی که از نوشته های پهلوی به عربی درآمده ، از سده سوم تا ششم ، نوشته هایی زیاد فرادست است.

در بیشتر این نوشته ها ، نوروز را از روزگار جمشید می دانند.

همچنین در همین گفته ها و نوشته ها آمده که نوروز جشن آفرینش کیومرث نخستین انسان و آفرینش است. (رضایی ۱۳۸۰ : ۱۴۲)

نشانه هایی که در تخت جمشید به شکل سنگ تراشی بازمانده است و نمایندگان فرمانبر، توده های گوناگون را نمایش می دهد که پیشکش ها پی آورده و چشم برافروخته که به ترتیب به پیشگاه شاه برسند. برگردان و آیینی از آیین نوروزی می دانند. (رضی: ۱۹۳)



گویند جمشید برای پشتیبانی و جانبداری از مردم بی پناه و مستمند که از حقوق اجتماعی بی بهره بودند، انقلاب کرد، آروزی او این بود که همه مردم بطور یکسان از مواهب زندگی و بخشش های خداوندی بهره مند شوند. از این روی، نوروز را آغاز برقراری آیین داد و برابری قرارداد، و آن روزی بود که مردم ستمدیده برای نخستین بار مورد حمایت قرار می گرفتند. بهمین دلیل که این سنت تا دیرگاهان دریادها باقی مانده بود.

در آثار زبان و ادبیات فارسی شواهدی وجود دارد، که بر نیکوکاری و احسان در ایام نوروز تاکید بیشتری شده است. (رضایی ۱۳۸۰: ۲۶۷)

درباره نوروز و مهرگان و دیگر جشن های کهن از آغاز آفرینش است. نخستین روز به عنوان نوروز معین شد بر عامه مردم. این مسلم و طبیعی است و فره آن که از زمانهای پیش و کهن است در سراسر جهان گسترده شده است. از آن به مردم راحتی و آسایش میرسد و آنان به امید آسایش در طی آن جشن ها در کار و رنجشان به خشنودی می رسند. (دینکرد-ص ۴۷۸)

سنت های مردمی و مراسم نوروزی

#### ۱- اسب دوانی

یکی از بازیها و سرگرمی های ایام جشن نوروز "اسب دوانی و چوگان بازی" بوده است.

در آنجا اسب دوانیهایی برگزار می شود در پایتخت و در شهرهای عمده کشور نیز همین گونه است، مسافت برای اسب دوانی بر حسب سن اسب، از هفت تا بیست تغییر میکند. هدف از این اسب دوانیها بیشتر این است که قدرت اسبها را تشخیص دهند. تا سرعت آنها را و اسبانی را که بتوانند تحمل تاخت طولانی و سریع داشته باشند، بشناسند. این اسب ها را معمولاً "کودکان دوازده تا چهارده ساله سوار می شوند... شاه به سوارکارانی که اسبهایشان پیشی گرفته اند، جایزه می دهد. (نخستین انسان و نخستین شهریار ص ۴۹۳)

#### ۲- کشتی گرفتن

یکی دیگر از سرگرمی های ایام نوروز کشتی گرفتن پهلوانان در میدان بوده

(درنوروز که پهلوانان با هم آزمایش کنند درمیدان من و قطران با هم کوشیده ایم.) (سمک عیار، ج ۱ ص ۱۷۵)

۳- جامه ی عید:

نوروز که روز جشن پیروزی و شادمانی همگانی بود بسیار با شکوه برگزار می شد، مردم لباسهای نو و زیبای خود را پوشیده و کلاه نوروزی را بر سر می نهادند و سرمه عیدی را به چشم کشیده و زینت و زیور عید بر خود می بستند. آنگاه از عطر و غالیه عید نیز استفاده می کردند.

۴- حنا بندان عید

برای برگزاری هرچه باشکوه تر جشن نوروز که جشن پیروزی و شادمانی همگانی بود، مردم از همه تواناییهای زیبایی و آرایشی استفاده می کردند. از آن جمله به دست و پای خود حنا می بستند و آنها را نگارین می کردند.

۵- حلوا ی عید

یکی دیگر از مواردی که در آثار ادبیات فارسی می توان بازشناسی کرد و در مراسم جشن نوروز موجب تکمیل شادمانی و شادی می شد، حلوا ی عید بوده است.

۶- چنگ نوروزی

هنگام تحویل سال در تخت جمشید آواز و دهل می نواختند، سپس دهلها با (علم عید) در کوچه ها به راه می افتادند، تا مردم را برای برگزاری آیین نوروز جمشیدی آگاه کنند.

پس از برگزاری این مرحله از مراسم نوروزی، هنگام قربانی می رسید، در این مراسم خنیاگری نیز بکار می رفته است، آن گونه شواهد نشان می دهد مراسم قربانی با فریادهای شادمانی و نغمه های خنیاگری آغاز می شده است.

از آثار زبان و ادبیات فارسی چنین برمی آید آن خنیاگری که در هنگام نوروز در دربارهای شاهی ایرانی انجام می شده از نهادهای جمشید و دنباله آن از همان روزگاران تا امروز به یادگار مانده است.

جمشید علم وزن را کشف کرد و فن موسیقی و خوانندگی را که خصوصا در نوروز بدان می پرداختند را بنیان نهاد.

منابع

۱- ابوالقاسم، اسماعیل پور. ۱۳۷۷. از اسطوره تا تاریخ، انتشارات نشر، چاپ دوم.

۲- جواد، برومند ۱۳۷۷. نوروز جمشید، پژوهشی نوین در پیدایی نوروز. انتشارات توس.

۳- عبدالعظیم، رضایی. ۱۳۸۰. تاریخ نوروز و گاهشماری ایران. انتشارات در.